

## ترجمه قرآن مجید

بقلم آقای ابوالقاسم یائنده

- ۶ -

### فصل سوم

در دو فصل قبل از این یادداشتها بدون نوع غفلت و اشتباه اشاره شد که تشخیص و تصدیق آن تحقیق و تبیی لازم نداشت و با اندک توجه و تأملی چگونگی آن آشکار میگردد ؛  
فصل اول موارد اسقاطی را نشان میداد که در ترجمه روی داده است و آن قریب دوست فقره بود مشتمل بر آیه های تمام و جمله های کوتاه و بلند کامل و عبارات چند کلمه ای و یا کلمه های مفرد قرآنی که این همه از قلم ترجمه افتاده و ترجمه قرآن مجید را بتمام معنای کلمه ناقص نموده است .  
در دو فصل دوم یکصد فقره خط و خطای عمد و عجب نشان داده شد که در ترجمه آیات ارتکاب شده و بیشتر ناشی از اشتباهات ساده صرفی و لغوی بوده است .

اینک در این سومین فصل از یک نوع اغلاط و اشتباهات دیگر یاد میشود که در عین سادگی و وضوح ، نسبت بمندرجات دو فصل قبل کمی پوشیده و پیچیده بنظر می آید و غالب آن هم ناشی از غفلت در قواعد لغوی و ترکیبی کلام عرب است . ضمناً در این فصل پیارم از اغلاط و اشتباهات لغوی هم که بیان آن بیحد موقوف گردیده بود اشاره میشود .

و اما مسامحات و اشتباهات و غفلتهای کلی و اصولی و بی شماری که در سراسر این ترجمه مشهود است و تشخیص و تحقیق آن سابقه ای از علوم ادبی و انسی بقواعد بلاغتی زبان عرب لازم دارد در فصل بعد که چهارمین فصل این یادداشتها و شاید هم آخرین فصل آن باشد یاد خواهد شد .

### ۱ - دنیای دیگر

تعبیر « دنیای دیگر » که در این ترجمه رایج گردیده و همه جا و از جمله در سطر آخر صفحه ۲ ، و سطر ۶ صفحه ۳ ، ترجمه کلمه « آخره » و تفسیر عبارت « یوم الآخر » واقع میشود ظاهر اغلط و بلکه مشتمل بر دو غلط صریح غیر قابل اغماض است ، یکی لفظ « دنیا » و دیگری کلمه « دیگر » ؛ زیرا لفظ « دنیا » در اشتقاق مؤنث « آدون » افضل تفضیل « دانی » است و در لغت « نزدیکتر » یا « پست تر » معنی میدهد و اصطلاحاً بر جهان مادی که محیط بر ما است و زندگانی فانی فعلی را در آن میکنند اطلاق میشود و لفظ « آخره » بکسر (خاء) بمعنای « بازسین » در مقابل آن قرار میگیرد .  
میگویند ، « دنیا و آخرت » ، نه اینکه ردیف و معادل آن باشد و بنا بر این بهیچ وجه و بهیچ تأویل و حتی با اضافه کردن کلمه « دیگر » . بلکه خصوصاً با اضافه کردن کلمه « دیگر » نمیتوان آن را در ترجمه « آخره » یا در تفسیر « یوم الآخر » بکاربرد .

و اما کلمه « دیگر » که عرض شد در این ترکیب و این ترجمه غلط است از این لحاظ است که این لفظ ترجمه کلمه عربی « آخر » بفتح (خاء) است نه ترجمه « آخر » و « آخره » بکسر (خاء) . پس

غلط محض است که حتی عبارت «یوم الاخر» را «روز دیگر» ترجمه کنیم تا چه رسد به «دنای دیگر» که از جهت دیگر هم چنانکه دیدیم غلط بود، و خلاصه عرض آنکه عبارت «دنای دیگر» سرتایا، جزءاً و کلاً غلط و غلط اندر غلط است. والله الهادی الی الصواب.

## ۲ - ختم الله علی قلوبهم

در صفحه ۲ سطر ۳ آیه: «ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة» چنین ترجمه شده است: «خدا بر قلوبشان مهرزده و بر گوشها و چشمهایشان پرده ای است» و ظاهر آن باید چنین ترجمه میشد: «خدا بر دلها و گوشهایشان مهرزده و بر چشمهایشان پرده ای است»، زیرا عبارت «علی سمعهم» عطف بر «علی قلوبهم» است و مشمول فعل «ختم» در جمله فعلیه «ختم الله...» و جمله «وعلی ابصارهم غشاوة» جمله اسمی استینافی است که تعلق نحوی بمقابل ندارد، و در قرآنها چایی، و از جمله قرآن مصحح مورد ترجمه آقای یابنده، روی عبارت «سمعهم» حرف (ط) که علامت وقف مطلق است و قاری را دعوت بوقف مینماید ثبت شده است تا خواننده از ترکیب نحوی آیه غفلت ننماید و اشتباهی را که مترجم ما کرده است نکند و هیچیک از قراء مشهور هم تا جایی که این بنده اطلاع دارد روی عبارت «قلوبهم» وقف نکرده اند و از مفسرین و مترجمین عرب و عجم و مشرقی و مغربی هم سراغ ندارم که خلاف آنچه را عرض شد گفته باشند؛ علاوه طبیعت عادت نیز اقتضا ندارد که «گوش» را بقصد جلوگیری از شنیدن با «پرده» بیوشند و اگر چنین کنند عمل لغو و بیهوده ای کرده خواهند بود، زیرا آویختن پرده ای روی گوش مانع از نفوذ صوت و برخورد امواج صوتی پیرده «صاخ» نمیشود و اگر بخواهند چنان مانعی ایجاد کنند باید سوراخ گوش را مسدود سازند و پر کنند و محکمترین «سد» همان است که در آیه شریفه تصویر شده است یعنی که مثلاً بجای گوش را با «موم» پر کنند و روی آن را مهرزنند، آنهم بامهر خدائی بید قدرت خدائی که محال باشد هیچ صورت هیچ صوتی در آن نفوذ نماید.

## ۳ - و علم آدم الاسماء کلها

در ترجمه آیه شریفه: «و علم آدم الاسماء کلها ثم عرضهم علی الملائكة فقال انبؤنی باسماء هؤلاء ان کنتم صادقین» ضمن صفحه ۴ سطر ۲۸ نوشته اند: «و خدا همه نامها را بآدم پیاموخت پس از آن چیزها را بر فرشتگان عرضه کرد و گفت اگر راست میگوئید مرا از نام اینها خبر دهید»، و نیز در همین صفحه سطر ۳۲ در ترجمه آیه شریفه «قال یا آدم انبئهم باسمائهم فلما انبأهم باسمائهم... الخ» گفته شده است: «گفت ای آدم فرشتگان را از نام چیزها آگاه کن و چون از نام آنها آگاهشان کرد... الخ» و اسم اشاره «هؤلاء» بلفظ «چیزها» واضمار و اشاره «اینها» و «آنها» ترجمه و تعبیر شده است و حال آنکه در زبان عرب این هر دو کلمه یعنی «هم» و «هؤلاء» برای جمع ذوی العقول بکار برده میشود و در زبان فارسی و خصوصاً فارسی متداول روز که مترجم رعایت آن را اصلی از اصول ترجمه خویش مبشمارد از مفهوم این دو کلمه به «ایشان» و «اینان» تعبیر میشود بنابراین ترجمه مزبور، اگر هم در معنی با بعضی از تفاسیر وفق دهد، چون ترجمه است و در ترجمه رعایت معانی حقیقی کلمات واجب میباشد صحیح نیست و نمیتوان از آن اغماض نمود. والله اعلم بالصواب.

#### ۴ - بلی و بلی - بل و بلکه

۴ - در ترجمه آیه شریفه «بلی من کسب سینه واحاطت به خطیته . . . الخ» ضمن صفحه ۸ سطر ۱۵ نوشته اند: «[نه چنین است] بل هر که کار بد کند و گنااهش براو چیره شود .. الخ» .  
 و آنچه در این ترجمه فعلاً مورد نظر است این است که مترجم «بلی» را بمعنای «بل» گرفته ، غافل از اینکه «بلی» حرف «جواب» است و «بل» ادات «اضراب» . اولی همانی است که در فارسی کنونی (با اماله بکسر) عیناً و یا تقریباً بهمان معنای عربی بکار برده میشود و دومی آنکه در فارسی متعارف با اضافه «که» استعمال شده و بصورت «بلکه» در آمده است ؛ تفاوت بین دو معنای «جواب» و «اضراب» و اختلاف در موارد استعمال «بلی» و «بل» همان تفاوت و اختلافی است که بین هر دو معنی و مفهوم «متباین» میباشد ، و اما مترجم این «تباین» را - مانند بسیاری از تباین های معنوی دیگر - ندیده و یا نادیده انگاشته و نه فقط در این آیه شریفه بلکه در هر آیه از آیات کلام الله مجید که به لفظ «بلی» برخوردار است آن را «بل» و «بلکه» ترجمه کرده است چنانکه در صفحه ۱۱ سطر ۱۰ در ترجمه آیه شریفه : «بلی من اسلم وجهه لله وهو محسن . . الخ» میگوید : «[چنین نیست] بل هر که بجان گردنگزار خدا شود و نکوکار باشد . . الخ» و در ترجمه عبارت «بلی وعداً علیه حقاً» از آیه شریفه : «واقسموا بالله جهد ايمانهم لایمث الله من یموت . . الخ» ضمن صفحه ۱۶۳ سطر ۶ مینویسد : «[چنین نیست] بلکه خدا وعده ای کرده که بمهدۀ اوست» ۱

شگفت تر آنکه مترجم در ترجمه هر یک از آیات مذکور متوجه این نکته نشده است که سیاق ترجمه کلمه «بل» و «بلکه» را نمی پذیرد ولی بجای مراجعه بلفت یا اهل لغت برای پذیرش آن ، همه جا عبارت «نه چنین است» و یا «چنین نیست» را در صدر جمله میان کر و شه ، چنانکه در بالا نقل شد ، بر ترجمه افزوده و باین وصله ناجور ، بزعم خود عبارت ترجمه را مربوط ساخته است!

#### ۵ - ووصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب . .

در ترجمه آیه شریفه «ووصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب» یا بنی ان الله اصطفی لکم الدین . . الخ» واقع در صفحه ۱۲ سطر ۲ نوشته شده است ؛ «و ابراهیم آیین را به پسران خویش و یعقوب سفارش کرد ای پسرکان من خدا دین را برای شما برگزید . . الخ»  
 اشتباه عمده ای که در این ترجمه مشهود است آن است که کلمه «یعقوب» با وجود علامت رفعی که دارد و «یعقوب» خواننده شده و این علامت منادی آن است که لفظ مزبور در این سیاق بر «ابراهیم» عطف شده و در ترجمه عبارت شریفه باید گفت : «و ابراهیم به پسران خویش سفارش کرد و یعقوب هم . . الخ» ، با این وصف ، مترجم آن را بر «بنیه» عطف کرده و نتیجه آن شده است که «یعقوب» که خود وصیت کننده ، و بتعبیر مترجم ، سفارش کننده است ، در این ترجمه «سفارش شده» نشان داده میشود ، در صورتیکه از لحاظ تاریخ هم مسلم نیست یعقوب زمان جدش ابراهیم را درک کرده باشد و بلکه خلاف آن مسلم و یا مضمون است ، والله العالم .

علاوه بر اشتباه فوق یکقره غفلت و اشتباه بیشین و نخستین میباشد و آن اینکه از ضمیر «بها» در قول خدای تعالی «ووصی بها» باسم ظاهر «آیین» آنهم بروجه اطلاق و تعمیم تعبیر کرده و گفته اند «و ابراهیم (آیین) را بپسران . . سفارش کرد» چنانکه گوئی ابراهیم و یعقوب فرزندان نشان را بطلاق

کیش و آیین ولو آیین بودائی و کیش بت پرستی توصیه کرده اند؛ و حال آنکه مرجع ضمیر مزبور کلمه «ملت» مذکور در دو آیه قبل است که میفرماید: «ومن يرغب عن ملة إبراهيم الا من سفه نفسه» و یا «ملت اسلام» یعنی ایضاً همان ملت حنیف ابراهیمی مستفاد از آیه قبل که فرمود «اذ قال له ربه اسلم قال اسلمت لرب العالمین»، و بر هر تقدیر در ترجمه آیه شریفه و تعبیر از ضمیر مزبور باید گفته میشد: «و ابراهیم آن [ آیین ] را به پسران خود توصیه کرد»، و اما مترجم نه فقط در تعبیر از ضمیر مزبور، چنانکه دیدیم، لفظ «آیین» را مجرد از هر قید و تعریف و اشاره‌ای بوجه اطلاق اظهار داشت بلکه برای تثبیت همین مفهوم غلط دردنیاله همین آیه شریفه، عبارت: «ان الله اصطفى لكم الدين» را نیز چنین ترجمه نمود: «خدا دین را برای شما برگزید» و الف و لام تعریفی را که بر سر کلمه «دین» در آمده و آن را شناخته و متمایز نشان میدهد ندیده و یا نادیده انگاشت و ما اینک ترجمه تمام آیه شریفه را بوجهی که اقتضای لغت و اعراب است بعرض خوانندگان میرسانیم، « ابراهیم آن [ دین ] را بیسران خود توصیه کرد و یعقوب [ نیز ]، ای پسرانم همانا خدا این دین را برای شما برگزید پس نمیرید مگر اینکه شما مسلمان (اسلام آورندگان) باشید».

**تذکار:** در آیات و عبارات ذیل:

آیه شریفه «واذ قلتم یا موسیٰ لن نصبر علی طعام واحد...» الی قوله تعالی: «وبأؤا بغضب من الله...» واقع در ذیل صفحه ۶ و همین عبارت: «فبأؤا بغضب علی غضب» در سطر ۱۴ صفحه ۹ و آیه شریفه «بشما اشتروا به انفسهم... الخ» در سطر ۱۰ صفحه ۹ و ایضاً جمله «ولینس ماشروا به انفسهم» در صفحه ۱۰ سطر ۲۰ و عبارت «تلك أمانهم» در صفحه ۱۱ سطر ۸ و آیه شریفه: «وقالت اليهود لیست النصارى علی شیئی و قالت النصارى لیست اليهود علی شیئی...» در همین صفحه سطر ۱۳، و قوله تعالی: «واذ ابتلی ابراهیم ربه بکلمات...» واقع در صفحه ۱۳ سطر ۵ و آیه شریفه «واذ جعلنا البیت مثابة للناس و آمانا و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی» و بالخصوص در این آیه اخیر که با حذف حرف (واو) از ترجمه جمله «واخذوا من مقام ابراهیم مصلی» مفهوم کلی و سرتاسری آیه را تحریف نموده اند؛ و ایضاً در آیه شریفه «ولکل وجهه هومولها...» (صفحه ۱۴ سطر ۷) و قوله تعالی: «وما أوتی موسیٰ و عیسیٰ و ما أوتی النبیین من ربهم...» صفحه ۱۳ سطر ۶، در ترجمه هر یک از آیات و عبارات مزبور اغلاط و اشتباهاتی دیده میشود که محض مراعات اختصار فعلاً از بیان آن صرف نظر کرده بصرف همین تذکار اکتفا مینمایم، والله الموفق للصواب.

## ۶ - اختلاف لیل و نهار - و تفاوت شب و روز.

آیه شریفه «ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف اللیل و النهار و الفلك التی تجری فی البحر بما ینفع الناس و ما انزل الله من السماء من ماء فاحیاه الارض بعد موتها و بث فیها من کل دابة و تمسیر فی الریاح و السحاب المسخر بین السماء و الارض لآیات لقوم یعقلون» واقع در صفحه ۱۵ سطور ۹ - ۱۵ باین عبارت ترجمه شده است:

«در خلقت آسمانها و زمین و تفاوت شب و روز و کشتی‌ها که بسود مردم بدریا روان است و آبی که خدا از آسمان فرود آورد و زمین را پس از موتات شدنش بدان زنده کرد و از همه جنبندگان در آن پراکند، و تغییر یادها و ابرها که میان آسمان و زمین بخدمت دراست برای گروهی که خردوری میکنند عبرتها است.» و در این ترجمه موارد ضعف و نکات شایان انتقاد متعدد است ولی عجالة نظر بر ترجمه

عبارت «واختلاف الليل والنهار» است که آن را «تفاوت شب وروز» گفته‌اند واین ترجمه ظاهراً صحیح نیست وبلکه محققاً غلط است، زیرا «تفاوت شب وروز» عبارت از کاهش و افزایش منظم وخصوص ومحسوس «شب» و«روز» است که همواره ششماه ازسال بنظم وترتیبی خاص روزها بلند وشبها کوتاه وششماه دیگر بالعکس بهمان نظم و ترتیب روزها کوتاه وشبها بلند میشود و این پدیده طبیعی چنانکه درمحل خود اثبات شده است نتیجه «تمایل» محور زمین نسبت به «دائرة معدل النهار» میباشد.

و اما **اختلاف شب وروز** عبارت از «تماقب و توالی آن دو مظهر طبیعی است که همواره یکی میرود و دیگری جایش را میگیرد یعنی «خليفة» یا «خلف» آن میشود، و بتعبیر دیگر این دو مظهر طبیعی پیوسته پشت سر و بدنبال یکدیگر (یکی «خلف» دیگری) درحرکتند و بهمین اعتبار که هر یک از شب وروز «خلف» یا «خلف» آن دیگری قرار میگیرد، در زبان عربی ازاین معنی عبارت «اختلاف الليل والنهار» تعبیر میشود وعلت طبیعی آن هم مطلق حرکت «وضعی» زمین است، با قطع نظر از «تمایل» یا عدم «تمایل» محور باین معنی که اگرهم محور زمین تمایلی نداشت وهمیشه، همچنانکه در دواعتدال «ریعی» و«خريفی» هست، بر «معدل النهار» عود میبود، **اختلاف شب وروز** حاصل میشود، ولی **تفاوت شب وروز** وجود نمیداشت، و با این تفصیل بوضوح پیوست که «اختلاف لیل و نهار» لفظاً و اصطلاحاً و طبیعتاً غیر از «تفاوت لیل و نهار» است و ترجمه قرار دادن یکی از این دو عبارت برای دیگری صحیح نیست و غلطی صریح است و مترجم نه فقط در آیه شریفه مورد بحث بلکه در آیه ۱۹۰ سوره مبارکه «آل عمران» صفحه ۴۵ قرآن مترجم اعنی قوله تعالی: «ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الليل والنهار لآیات لا ولی الا للاباب» و آیه پنجم از سوره مبارکه «الجاثیه»، قوله تعالی: «واختلاف الليل والنهار وما انزل الله من السماء من رزق... الخ» ایضاً همین اشتباه را نموده است، والله الهادی وهو المستعان.

## ۷- انما حرم علیکم المیتة والدم ..

آیه شریفه «انما حرم علیکم المیتة والدم ولحم الخنزیر وما اهل به لغیر الله .. الخ» واقع در صفحه ۱۶ سطر ۴ باین صورت ترجمه شده است: «مردار و خون و گوشت خوک و ذبحی که نام غیر خدا بر آن بانگ زده‌اند بر شما حرام است ..» و این ترجمه روی هم رفته یکی از روان‌ترین و شاید هم رواترین ترجمه‌ای است که مترجم در سراسر کلام الله مجید نموده است ولی معذک قلم انتقاد را در آن مجال است زیرا:

اولاً - ادات حصر و تأکید «انما» در صدر آیه شریفه از قلم ترجمه افتاده است.

ثانیاً - جمله فعلیه «حرم علیکم المیتة ..» در ترجمه صورت و معنای فعلی را از دست داده و صورت و معنای جمله (اسمیة) در آمده است.

ثالثاً - فعل متعدی معلوم «حرم» با ضمیر فاعلی مستتر در آن که راجع بکلمه «الله» مذکور در آیه قبل است بصورت و معنای فعل لازم و بلکه بصورت و معنای مصدر فعل لازم «حرام»، مجرد از فاعل، ترجمه شده است.

رابعاً - و بالاخره کلمات «المیتة» و «الدم» و «لحم الخنزیر» و موصول در «ما اهل به لغیر الله» که مفعول به و در حکم مفعول به فعل «حرم» بوده‌اند، در ترجمه بصورت و معنای «مبتدا» در آمده‌اند.

شاید اهل تحقیق تصدیق میفرمایند که هر يك از این چهار نقصه به تنهایی میتواند از ترجمه آیه سلب صحت نماید، تا چه رسد باینکه هر چهار نقص دست بهم داده و در آن جمع کردند، ولی معذک غرض از این مناقشه و خرده گیری دقیق آن نبود و نیست که بر شمار یادداشت های انتقادی این فصل افزوده شود و با غفلت و اشتباه در ترجمه این آیه شریفه نیز در ردیف سایر اغلاط و اشتباهات عمدت و عجیب این فصل و یا فصول گذشته و آینده این انتقادات در آید، بلکه غرض عمدت این بود و هست که اندکی بخود آئیم و بدانیم ترجمه صحیح، آنهم ترجمه کلام الله مجید تا چه حد دقت و مبالغت لازم دارد و ما تا چه حد در این باره گستاخ و بی مبالغت بار آمده و بار می آئیم، والله المستعان و علیه التکلان.

**تذکار:** در سطر ۲۳ صفحه ۱۵ عبارت «یا ایها الناس» چنین ترجمه شده است، «شما که ایمان دارید»؛ و این تعبیر همانی است که مترجم همه جا آن را در ترجمه عبارت قرآنی «یا ایها الذین آمنوا» بکار میبرد و شکی نیست که اینجا نیز اشتباه عبارت «یا ایها الذین آمنوا» بدهن مترجم آمده و جمله مصطلح خود را در ترجمه آن بکار برده است ولی تعجب در این است که چگونه هنگام مقابله و تصحیح نه در طبع اول و نه در طبع دوم باین غلط آشکار بر نخورده اند و آن را همچنان عبرة للناظرین باقی گذاشته اند!

### ۸ - ام حسبتم ان تدخلوا الجنة . .

در صفحه ۲۰ سطر ۱۷ آیه شریفه «ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم الأساء والضآ . . .» چنین ترجمه شده است:

«مگر یندازید ببهشت میروید و حکایت آنها که پیش از شما در گذشته اند بشما نرسیده که تنگدستی و مرض دیدند . . .»، و این ترجمه اگر معنای محصلی داشته باشد این خواهد بود که «یندازید ببهشت میروید و حال آنکه چنین نیست، بروید حکایت پیشینیان را بشنوید که تنگدستی و مرض دیدند . . .» و عبارت دیگر، غایت آنچه از این ترجمه استفاده میشود این است که بمخاطبین اعلام شده است که راهی را که میروند و یندازند راه بهشت است، راه بهشت نیست بلکه راه تنگدستی و مرض است؛ و البته این ترجمه غلط است و مستفاد از آیه شریفه غیر این است.

ترجمه آیه شریفه با توجه بمفاهیم لغوی و قواعد صرف و نحوی بر این تقریب است: «مگر یندازید ببهشت داخل میشوید و حال آنکه هنوز نمونه آنچه به پیشینیان شما رسید بشما نرسیده است . . الخ» و مستفاد از آیه آنکه «مگر یندازید دخول در بهشت که بدان امیدوارید ارزان و رایگان تصبیتان میشود، بی آنکه از آنهمه رنج و شکنج و بلا و ابتلا که مؤمنین امم سابقه دیدند و چشیدند شاهام ببینید و بجشید . . الخ».

